

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۰۵ جنوری ۲۰۲۳

نمایش ائتلاف اپوزیسیون راست در پیام مشترک سال نو میلادی!

رضا پهلوی، حامد اسماعیلیون، علی کریمی، نازنین بنیادی و مسیح علی‌نژاد در ثانیه‌های آغازین سال ۲۰۲۳ میلادی به وقت ایران، در توییت‌هایی با متن مشترک نوشتند: «سال ۲۰۲۲ سال شکوه همبستگی ایرانیان با هر باور و زبان و گرایش بود.»

دقایقی بعد، تعداد دیگری از چهره‌های سیاسی و هنری همچون گلشیفته فراهانی، عمار ملکی، لادن برومند و شیرین عبادی نیز همین پیام را در صفحات توییتر یا تلگرام خود به اشتراک گذاشتند.

پس از انتشار مشترک این پیام برخی آن را یک ائتلاف سیاسی قلمداد کردند و این در حالی است که شاهزاده رضا پهلوی بارها گفته‌اند که هرگونه ائتلاف سیاسی باید میان احزاب و جریان‌های سیاسی شکل بگیرد و ...

در این متن کوتاه، بر روی گرایش مختلف و لزوم سازماندهی و همبستگی برای گذار از نظام جمهوری اسلامی تاکید شده است. در این متن مشترک، از هشتگ «انقلاب ایران»، به زبان انگلیسی استفاده شده است.

البته روشن نیست که چرا نویسنده و یا نویسندگان این پیام، شعار اصلی جنبش موجود، یعنی «زن، زندگی، آزادی» نیاورده است؟!

اما پس از انتشار این پیام، بلافاصله توسط تلویزیون اینترنتی‌اشال دست به کار شد و تحت عنوان «گامی در راستای ایجاد ائتلاف میان چهره‌های مخالف جمهوری اسلامی ایران» یاد کرد و میزگردی نیز در همین راستا برگزار کرد. آقای عبدالله مهدی در میزگرد تلویزیون اینترنتی‌اشال گفتند که این پیام را دیر دریافت کردند. این اظهار نظر علنی نشان می‌دهد که این پیام در یک تهیه شده و به افراد مشخصی ارسال شده است. احتمال دارد این پیام از سوی رضا پهلوی تنظیم و به افراد مشخصی ارسال شده است. این میزگرد به مدیریت سیما ثابت و با حضور حامد اسماعیلیون، مسیح علی‌نژاد، عبدالله مهدی و ... برگزار گردید.

من شخصا کاری ندارم که هر کدام از شخصیت‌ها و سازمان‌ها و احزاب سیاسی چپ و راست با هم ائتلاف می‌کنند یا نه، حق طبیعی هر سازمان و نهاد و فردی است که در راستای اهداف سیاسی و اجتماعی خود تلاش کند. در نتیجه هدف من هشدار به دست‌اندرکاران جنبش انقلابی کنونی در داخل ایران است که هوشیار باشند و نگذارند این اپوزیسیون معامله‌گر و قدرت‌طلب در پشت پرده با دولت‌ها و در راس همه آمریکا ساخت و باخت کنند و انقلاب‌شان را همانند بهار عربی به باد دهند.

اتفاقاً در دهه‌های اخیر چنین ائتلاف‌هایی کم نبود: ائتلاف جمهوری‌خواهان لائیک و سکولار؛ ائتلاف جمهوری‌خواهان ملی؛ ائتلاف نیروهای چپ و کمونیست؛ ائتلاف جریان‌اتی با سلطنت‌طلبان و رضا پهلوی و...



در ادامه همین بحث، به دو سابقه اپوزیسیون راست و ناسیونالیست اشاره می‌کنم: اولی تشکیل دولت در تبعید در پاریس؛ و دومی مذاکره احزاب اپوزیسیون ناسیونالیست کرد با نمایندگان جمهوری اسلامی ایران در نروژ. در سال ۱۳۹۰، جمعی از سلطنت‌طلبان و حزب کومله به رهبری آقای عبدالله مهتدی و چهره‌هایی چون علیرضا نوریزاده «دولت در تبعید» تشکیل دادند که رییس آن سردار سپاه مدحی معروف به «سردار الماس» در پاریس بود. سردار مدحی که در برنامه‌های رادیو و تلویزیونی نوریزاه در لندن حضور دائم داشت، همواره ادعا می‌کرد که حدود ۵۰۰۰ پاسدار درون سپاه پاسداران دارد که قصد دارد علیه جمهوری اسلامی کودتا کند. او از جمله با برخی مقامات آمریکایی و اسرائیلی نیز دیدارهایی داشت.

در سال ۱۳۹۰ در بسیاری از رسانه‌ها چنین آمده بود:

«الماسی برای فریب»* نام فیلمی است که شامگاه ۱۸ خرداد ۱۳۹۰ از تلویزیون جمهوری اسلامی پخش شد، موضوعش افشاگری برنامه‌های براندازانه اپوزیسیون خارج از کشور بود. علیرضا نوری‌زاده، محسن مخملباف، مهرداد خوانساری و عبدالله مهتدی از جمله کسانی هستند که نامشان در برنامه «الماس فریب» برده شد و چهره برخی از آنان نیز نمایش داده شد. نقش اول این فیلم اما بر دوش «محمدرضا مدحی» بود.

محمدرضا مدحی معروف به حسینی، جانباز شیمیایی و مسئول حراست دفتر حجت‌الاسلام ارومیان نماینده مراغه در مجلس خبرگان بود. او سال ۱۳۸۷ از ایران خارج شد و به بانکوک رفت. به محض رسیدن به تایلند با برخی از چهره‌های اپوزیسیون مقیم اروپا تماس گرفت و خواهان تشکیل یک شبکه اپوزیسیون شد.

علیرضا نوری‌زاده روزنامه‌نگار و تحلیل‌گر سیاسی مقیم لندن به گفته خودش، از کسانی است که مدحی از ابتدا سعی داشته با او تماس برقرار کند. او درباره مدحی به دویچه‌وله می‌گوید: «آقای سردار محمدرضا حسینی ملقب به «مدحی» یا مدحی ملقب به «حسینی» یکی از پاسدارهایی بوده که در جنگ ۷۰ درصد شیمیایی شده است. من شاهد بودم که روزی دو کورتون به بازویش می‌زد و ۸۰ تا ۷۰ تا قرص هم می‌خورد و گاهی اوقات حالش چنان بود که او را به بیمارستان می‌بردند و برای چند روز زیر چادر اکسیژن بود. در این‌ها که تردیدی نیست.»

مدحی به مدت یک ماه با نام «سردار مدحی» میهمان ویژه برنامه تلویزیونی علیرضا نوری‌زاده بود. وی در این سلسله برنامه‌ها مطالبی درباره مافیای اقتصادی، آقازاده‌ها و ماموریت‌های وزارت اطلاعات بیان می‌کرد...

در فیلم «الماسی برای فریب» از گروهی نام برده شد با نام «جمع یاران». تهیه‌کننده فیلم، این گروه را یک جمع متشکل از چهره‌های سرشناس اپوزیسیون در خارج از کشور معرفی می‌کند که از محسن مخملباف و علیرضا نوریزاده تا مهرداد خوانساری و امیرحسین جهانشاهی و عبدالله مهدی در آن عضویت دارند.

بخشی از فیلم «الماسی برای فریب» صحنه خواندن سرود ای ایران توسط گروهی بر روی سن است که دست‌ها را به یکدیگر داده و شال سبز نیز بر گردن دارند. گفتار روی فیلم به بیننده می‌گوید که این صحنه، پایان کنفرانسی است با نام «گودالوپ» که در آمریکا برگزار شده است.

اما علیرضا نوریزاده که یکی از سرودخوانان این صحنه است روایت دیگری دارد. او می‌گوید: «آقای هنری برنار لویی فیلسوف فرانسوی ما را دعوت کرده بود به تالار فرهنگ‌های فرانسه. در آنجا ما رفتیم راجع به جنبش سبز در ایران سخنرانی کردیم. خیلی‌ها در آن جلسه بودند، از جمله آقایان مخملباف، کاک حسن شرفی از حزب دموکرات کردستان، کاک عبدالله مهدی از حزب کومله، حسین بُر از بلوچ‌ها، دکتر مهرداد خوانساری، جهانشاهی و من. یکی دیگر از ادعاهای مطرح‌شده در فیلم «الماسی برای فریب» تشکیل دولت در تبعید توسط محمدرضا مدحی است. در این فیلم ادعا شده که مدحی به همراه امیرحسین جهانشاهی قرار بوده به پادگانی در تل‌آویو بروند و در آنجا دولت در تبعید را پایه‌گذاری کنند.

بسیاری از رسانه‌ها از جمله «آپارات» درباره مدحی چنین نوشته است:

«سرتیپ پاسدار محمد رضا مدحی از جانبازان دفاع مقدس که نام وی بیش‌تر در پرونده معروف به الماسی برای فریب مطرح شد بر اثر آثار جراحات باقی مانده از جنگ تحمیلی درگذشت. وی توانسته بود به گروه‌های اپوزیسیون ایران و سازمان‌های اطلاعاتی غربی نفوذ کند و در میان مقامات غربی توانسته جلسه‌ای محرمانه با هیلاری کلینتون و جو بایدن داشته باشد. سردار مدحی خود را به اپوزیسیون با عنوان تاجر الماس و مقام بلندپایه اطلاعاتی سابق نظام معرفی کرده بود و با ادعای این‌که بسیاری از دوستانش آماده‌اند از نظام بریده و به وی ملحق شوند توانسته بود توجه دولت‌های خارجی را به خود جلب کند. مدحی وقتی به اسرائیل رفت و در پادگانی در اسرائیل وظیفه فرماندهی کودتا و عملیات در ایران را داشت، وزارت اطلاعات ایران برای نجات وی وارد عمل شد و او را به ایران بازگرداند.»

دومین موضوع در رابطه با مکره چند حزب اپوزیسیون کرد ایرانی با نمایندگان جمهوری اسلامی ایران در نروژ است.

رادیو فردا در تاریخ ۱۸ تیر ۱۳۹۸، اعلام کرد که «مدیران موسسه نروژی نورف که واسطه بین احزاب کردی و ایران شده‌اند، زمستان پارسال به تهران سفر و با کمال خرازی دیدار کردند.



برخی از گزارش‌های اعلام کرده بودند که نمایندگان چهار حزب فعال در کردستان در تلاش برای مذاکره با نمایندگان حکومت جمهوری اسلامی ایران هستند.

در این گزارش‌ها از «حزب دمکرات کردستان»، «حزب کومله کردستان»، «حزب کومله زحمت‌کشان کردستان ایران» و «حزب دمکرات کردستان ایران» به عنوان طرف‌های گفت‌وگو با جمهوری اسلامی ایران به میان آمده است. عمر ایلخانی‌زاده، دبیرکل حزب کومله زحمت‌کشان ایران در گفت‌وگو با شبکه تلویزیونی کردی «روداو» تأیید کرده که تلاش‌های مقدماتی برای انجام مذاکرات صورت گرفته است.

سازمان نروژی که به عنوان واسطه بین نمایندگان احزاب کرد و جمهوری اسلامی، معرفی شده، «اندیشکده نورف» نام دارد.

سازمان نروژی نورف که در سال‌های اخیر در میانجی‌گیری بین مخالفان دولت سوریه نیز فعال بوده، روابط خوبی با مقام‌های جمهوری اسلامی دارد.

مقام‌های ارشد این سازمان دی‌ماه سال ۱۳۹۷ به ایران سفر و با کمال خرازی، رییس شورای راهبردی سیاست خارجی ایران، دیدار کرده بودند.

مشخص نیست که آیا در این دیدار، گفت‌وگویی درباره مسائل کردها صورت گرفته است یا نه ولی کمال خرازی در طول دو سال گذشته به عنوان یک واسطه مهم در برخی معادلات سیاست خارجی ایران ظاهر شده است.

سفر او به اسپانیا، فرانسه و ایتالیا، دیدارش با معاون وزیر خارجه بریتانیا و دیدارهای متعدّدش با سازمان‌های غیردولتی اروپایی، نشان‌دهنده افزایش نقش و وزن او در معادلات سیاست خارجی ایران است.

خبر فراهم‌سازی مقدمات گفت‌وگو بین این گروه‌ها و حکومت ایران در حالی منتشر شد که در طول یک سال گذشته اخبار گسترده‌ای از درگیری‌های نظامی بین برخی از این احزاب و نیروهای نظامی جمهوری اسلامی منتشر شده بود. جمهوری اسلامی ایران این احزاب را «گروه‌های تروریستی» می‌داند و گاهی نیز مقرهای آن‌ها را در خاک اقلیم کردستان موشک‌باران می‌کند.

همان زمان یک منبع در حزب دموکرات کردستان ایران به العربیه فارسی گفته بود که سپاه پاسداران صبح امروز منطقه جوانرود و سیدکان در کردستان عراق را به منظور هدف قرار دادن مقر احزاب کرد ایرانی با توپخانه و کاتیوشا زیر آتش گرفت.

به گفته شاهو حسینی عضو برجسته حزب دمکرات کردستان ایران، به دنبال حملات روز گذشته «جوانان کرد» در پیرانشهر به یک خودروی سپاه پاسداران و کشته شدن سه نفر از جمله یک فرمانده محلی سپاه، مناغق جوانرود و سیدکان توسط سپاه پاسداران گلوله‌باران شد که در نتیجه دختری جوان به نام زیتون و یک جوان که از کردهای عراقی هستند کشته شدند.

به گفته العربیه، گلوله‌باران مقر حزب دموکرات کردستان ایران (حدکا) و حزب دموکرات کردستان (حدک) در حالی صورت گرفت که طی روزهای اخیر گزارش‌هایی درباره مذاکره چهار حزب برجسته کرد و یک هیئت دولت جمهوری اسلامی با میانجی‌گری نروژ در اسلو صورت گرفته است.

شبکه اینترنتی «زیتون» وابسته به اصطلاح‌طلبان، نیز در تاریخ ۱۹ تیر ۱۳۹۸ تحت عنوان «آیا فصل جدیدی در روابط جمهوری اسلامی و کردها گشوده شده»، به قلم نیلوفر سعیدی نوشته بود: تنها چند روز پس از بالا گرفتن شایعات، دبیرکل یکی از احزاب کرد مخالف جمهوری اسلامی در اقلیم کردستان عراق، در گفت‌وگو با شبکه تلویزیونی

کردی زبان «روداو» تلویحا گفت که در روزهای اخیر بین هیاتی از سران احزاب کرد ایرانی و نمایندگانی از جمهوری اسلامی، دیدارهایی صورت گرفته است.

عمر ایلخانی‌زاده، دبیرکل حزب کومله زحمت‌کشان کردستان، همچنین در گفت‌وگو با سایت دویچه‌وله فارسی با صراحت بیش‌تری این خبر را تأیید کرد.

ایلخانی‌زاده اعلام کرد که نمایندگان چهار حزب کرد ایرانی به نام‌های، حزب دمکرات کردستان، حزب دمکرات کردستان ایران، حزب کومله کردستان ایران و حزب کومله زحمت‌کشان کردستان، به‌عنوان اعضای «مرکز همکاری احزاب کردستان ایران»، در اروپا با نمایندگانی از جمهوری اسلامی ایران دیدار کرده‌اند.

این سیاست‌مدار کرد ایرانی که هم‌اکنون (در آن دوره) رهبری دوره‌ای مرکز همکاری احزاب کردستان ایران را بر عهده دارد، همچنین خبر داد که این گفت‌وگو با تهران، با میانجی‌گری یک سازمان غیردولتی نروژی به‌نام «نورف» (NOREF Norwegian Centre for Conflict Resolution) انجام گرفته است. تاکنون، این سازمان غیردولتی نروژی حاضر نشده به سؤالات رسانه‌ها در این مورد پاسخ دهد.

در همین حال اما دو رهبر دیگر احزاب کرد ایرانی، مصطفی هجری، رهبر حزب دموکرات و عبدالله مهتدی، رهبر یکی دیگر از انشعاب‌های حزب کومله، تمایل ندارند مانند ایلخانی‌زاده، به‌شکل آشکار در مورد این جریان صحبت کنند. آن‌ها در گفت‌وگو با خبرنگار بخش بی‌بی‌سی فارسی این خبر را تأیید یا تکذیب نکرده و تنها به بیان این جمله اکتفا کرده‌اند که نمی‌خواهند در این مورد صحبت کنند.

به‌گزارش وب‌سایت بی‌بی‌سی فارسی به نقل از شاهد علوی، روزنامه‌نگار، ریاست هیات جمهوری اسلامی ایران در این نشست را محمد کاظم سجادی‌پور، معاون پیشین نماینده دائم ایران در سازمان ملل متحد در ژنو بر عهده داشته است. در عرف دیپلماتیک و ادبیات سیاسی، بین مفاهیمی همچون دیدار، گفت‌وگو و مذاکره تفاوت‌هایی جدی وجود دارد. مذاکره، یکی از بالاترین سطوح گفت‌وگو است که در آن هر کدام از طرفین، شرایط و خواسته‌هایی دارد و بر اساس الگوها و استراتژی خاصی که در نظر دارد، حاضر است در ازای دریافت برخی امتیازات، امتیازاتی بدهد. ایلخانی‌زاده نیز در گفت‌وگو با شبکه تلویزیونی «روداو» اعلام کرد که آن چه که بین تهران و احزاب کرد ایرانی روی داده، صرفاً در حد رد و بدل کردن پیام و دیدارهای مقدماتی است و نمی‌تواند به‌عنوان مذاکره تعریف شود.



محمدکاظم سجادی‌پور، ریاست هیات جمهوری اسلامی ایران را در نشست با رهبران سازمان‌های کرد در نروژ، به‌عهده داشت

همچنین کنگره مشاهیر کرد در سنج و با ابتکار عمل و مدیریت استاندار کردستان در همان مقطع برگزار شد. تعدادی از هنرمندان، ورزشکاران و چهره‌هایی دانشگاهی، دینی و سیاسی کرد ایرانی، عراقی و ترکیه‌ای در این مراسم مورد تجلیل قرار گرفتند و حرف و حدیثی از مطالبات سیاسی یا فرهنگی به میان نیامد.

از جمله مظهر خالقی هنرمند کرد پس از قریب به ۴۰ سال دوری به ایران بازگشت و در این کنگره حکومتی حضور پیدا کند. اما نسبت فامیلی مظهر خالقی با جلال طالبانی رهبر متوفی حزب اتحادیه میهنی و در نظر گرفتن روابط خاص جمهوری اسلامی ایران با حزب اتحادیه میهنی، همچنین عدم هر گونه فعالیت سیاسی خالقی علیه جمهوری اسلامی ایران، نشان می‌دهد که اساساً دعوت خالقی نیز، در حد یک اقدام مهم نبوده که نویدبخش آغاز یک مقطع نوین در مورد رویکرد جمهور اسلامی ایران در قبال مردم کرد و مطالبات سیاسی و فرهنگی آن‌ها باشد. همین موضوع سبب شد که برخی از تحلیل‌گران کرد، برگزاری این کنگره را در راستای راهی برای ارتباط دادن کنگره سنندج با دیدار نمایندگان جمهوری اسلامی با رهبران احزاب مسلح کرد مثبت ارزیابی کردند.

اما بدترین مذاکره بین هر نیروی اپوزیسیون با دولت جمهوری اسلامی ایران و یا سایر دولت‌ها، آن‌هم مذاکره مخفی و بدون اطلاع افکار عمومی، یک اقدام نادرست و ارتجاعی علیه منافع مردم محروم و رنج‌دیده و جنبش‌های اجتماعی است. چنین سازمان‌ها و احزاب در گرداب دولت‌ها گیر می‌کنند و نهایتاً قربانی می‌گردند. همچنین این نیروها از سوی مردم طرد می‌شوند چرا که اعتمادی به آن‌ها ندارند.

همان‌طور که دیدیم در مقطع همین مذاکره، سپاه پاسداران جهل و جنایت و ترور اسلامی ایران، مقرهای حزب دموکرات در اقلیم کردستان را بمباران کردند و همین اخیراً نیز با خیزش مردمی در شهرهای ایران، سپاه پاسداران همین جنایت را تکرار کرد.

از سوی دیگر، این واقعیت را نیز باید به‌خاطر آورد که مهم‌ترین مثال و خاطره احزاب کرد از مذاکره با جمهوری اسلامی ایران، ترور عبدالرحمان قاسملو رهبر سابق حزب دموکرات کردستان ایران است که پشت میز مذاکره در وین مورد هدف گلوله قرار گرفت.

شرایط موجود و تاثیر جنبش انقلابی در سه ماه گذشته بر روی افکار عمومی داخلی و بین‌المللی و همچنین بر روی حکومت، بر همگان روشن است. اکنون همه می‌دانند که نبرد سرنوشت‌سازی بین مردم و حکومت آغاز شده است که نتیجه آن پیروزی مردم و سرنوشتی جمهوری اسلامی است. به همین دلیل ریزش در درون نیروهای سیاسی و نظامی حکومت آغاز شده است. برای نمونه، محسن هاشمی، همچنین در گفت‌وگویی با یک روزنامه داخلی از اجماع جهانی بی‌سابقه علیه جمهوری اسلامی سخن گفت.

محسن هاشمی، فرزند اکبر هاشمی رفسنجانی، از چهره‌های بنیان‌گذار جمهوری اسلامی در گفت‌وگویی مفصل با روزنامه «جمهوری اسلامی» نسبت به اجماع جهانی علیه جمهوری اسلامی هشدار داد.

هاشمی رییس پیشین شورای شهر تهران بود شرایط امروز سیاست خارجی ایران را در وضعیت «بلا تکلیفی موثر همراه با خطر» توصیف کرد و گفت: «اجماعی که در حال حاضر علیه جمهوری اسلامی در جهان شکل گرفته است، نه تنها برای ایران، بلکه حتی برای سایر کشورهای جهان نیز مسبوق به سابقه نبوده است.»

هاشمی در این گفت‌وگو به شکاف‌های اجتماعی و دو قطبی سازی‌هایی که در اجتماع وجود دارند از جمله شادی مردم از باخت تیم ملی در جام جهانی قطر اشاره کرد و گفت، چنین گسست‌هایی در هیچ دوره‌ای از تاریخ ایران سابقه نداشته است.

محسن هاشمی در این مصاحبه تلاش نخبگان سیاسی و مذهبی، احزاب سیاسی اصلاح‌طلب و روزنامه‌نگاران و سخنرانان مشهور برای برون‌رفت جمهوری اسلامی از این بن بست را «فاقد اثرگذاری تعیین‌کننده» برشمرد.

محسن هاشمی تاکید کرده است که نمی‌توان وضعیت کنونی کشور را «از ولایت فقیه جدا دانست»، «در حالی که آیت‌الله خامنه‌ای ده‌ها بار به صراحت از کلیت عملکرد نظام دفاع کرده» است.

فرزند علی اکبر هاشمی رفسنجانی در جای دیگری از مطلب خود با انتقاد از رویکرد دولت رئیسی و حامیان او گفته است که نمی‌توان وضعیت موجود را به باصطلاح «فتنه‌گران، یا خائن‌ان یا غربزده‌ها» نسبت داد. به گمان محسن هاشمی «بانیان وضع موجود آن‌هایی هستند که نگذاشتند دولت‌ها بر اساس رایی که از مردم گرفتند عمل کنند.» محسن هاشمی در جای دیگری از مقاله خود یادآور شده است که در جمهور اسلامی همه کاره در اصل شخص ولی فقیه یعنی علی خامنه‌ای است و به گمان او «استفاده‌کنندگان از اصطلاح تخریبی»، «بانیان وضع موجود»، «متوجه نیستند که در نظام ولایت فقیه اکثر راهبردهای کلان و کلیدی در امور مختلف از جمله روابط خارجی، فرهنگ، اجتماع و اقتصاد، امنیت و... در دست دولت نیست.»

محسن هاشمی در ادامه گفته است که به‌رغم برخورداری از ذخایر بزرگ نفت و گاز، رشد اقتصادی ایران همچنان منفی است، نرخ بیکاری به ۲۵ درصد و تورم به بیش از ۵۰ درصد رسیده است و «نگاه مردم به سمت براندازان خارج‌نشین و اخیراً داخل‌نشین تغییر مسیر» داده است و نه به‌سوی اصلاح‌طلبان.

البته کسانی چون محسن هاشمی و هم‌فکرانش در جمهوری اسلامی، به هیچ‌وجه راضی نیستند جمهوری اسلامی از هم بپاشد، بلکه آن‌ها خواهان تغییراتی به نفع جناح اصلاح‌طلبان در چارچوب همین حکومت هستند.

در این چهار دهه به‌ویژه سلطنت‌طلبان و در راس همه رضا پهلوی، همواره مشغول سرمایه‌گذاری و تجارت خود بودند. اما هر موقع مردم ایران دست به اعتراض می‌زنند بلافاصله بوی قدرت و «کرزای» و «چلبی» شن به مشام‌شان می‌رسد رضا پهلوی و دوستانش کمی دست از مشغولیت‌های روزانه تجاری و تفریحی خود برمی‌دارند و چند اطلاعیه صادر می‌کنند و با سرکوب خیزش مردم توسط جمهوری اسلامی، باز به تجارت‌خانه‌های خود می‌خیزند.

بنابراین واقعیت این است که امروز هیچ سازمان و حزب و شخصیت سیاسی، فرهنگی، هنری، حقوقی و ورزشی با گرایش‌ات راست و یا چپ مقیم خارج از کشور، پایگاه چندانی در داخل ایران ندارند که توانسته باشند انقلاب جاری را رهبری کنند. نه احزاب چپ که خود را سوسیالیست و کمونیست می‌دانند پایگاهی در درون جنبش‌های اجتماعی ایران به‌خصوص جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی، جنبش زیست‌محیطی و روشنفکری ندارند و نه احزاب لیبرال، ناسیونالیست، راست و محافظ‌کار در میان توده‌های مردم پایگاهی دارند.

البته نباید از حق بگذریم و نیروهای چپ و راست را در یک ظرف مشترک قرار دهیم و قضاوت کنیم. واقعیت این است که نیروهای چپ رادیکال در این چهل سال گذشته، همواره علیه کلیت جمهوری اسلامی مبارزه کرده‌اند. خوشبختانه این نیروها با هیچ دولت و نهادهای بین‌المللی بورژوازی نیز وارد بده و بستان نشده‌اند از این‌رو، این نیروها خوش‌نام هستند. اما خوش‌نامی برای سازمان‌دهی و هدایت یک جنبش اجتماعی و انقلابی کافی نیست. مهم‌تر از همه باید پایگاه اجتماعی داشت و پایگاه اجتماعی نیز یک‌شبه به وجود نمی‌آید. اگر در این بیش از چهار دهه گذشته، چنین پایگاه به وجود نیامده پس نباید توهم داشت که در این خیزش انقلابی به‌وجود آید.

اما همان‌طور که در بالا نیز به دو نمونه دولت در تبعید و مذاکره در نروژ اشاره شد جریان‌ات راست و ناسیونالیست و محافظه‌کار کارنامه خوبی ندارند.

از راه دور و صرفاً با حرف و با مقاله و کتاب و تلویزیون نمی‌شود انقلابی را هدایت کرد. چرا که جنبش‌ها در راستای منافع طبقاتی و اهداف و جهت‌گیری‌های و استراتژی سیاسی‌شان تلاش می‌کنند آن جنبش را در راستای منافع طبقاتی و اهداف سیاسی خود هدایت کنند و در راس آن قرار گیرند.

تشکیل ائتلاف دست راستی
ها در خارج کشور، اتفاق
مثبت و آموزنده ای بود زیرا
این افراد، خودشان خیلی
ساده و یکدست نشان دادند
چقدر مستبد، توطئه گر، پشت
پرده بازی کن، غیرشفاف، یک
جانبه، ضد اکثریت، قدرت
طلب، تبانی گر و بی ربط به
مبارزه واقعی ما هستند.

پیام دریافتی از مخاطبان
کانال
انتشار: کانال مستقل کارگران
هفت تپه

جنبش اخیر جوانان و در پیشاپیش همه زنان، با شعار «زن، زندگی، آزادی»، سمت و سوی غیرمتمرکز و شورایی دارد. چرا که جوانان می‌خواهند در سرنوشت خویش و جامعه‌شان مستقیماً دخالت داشته باشند و اجازه ندهند حزبی و فردی از بالای سرشان مانند گذشته بر آن‌ها حاکمیت کند.

بحث شورایی و تشکیل شوراها در اوایل انقلاب ۱۳۵۷، یک بحث عمومی و گسترده و در عین حال خام بود. اما در سال‌های اخیر، اسماعیل بخشی، از نمایندگان جوان کارگران هفت‌تپه، همواره در جریان تظاهرات‌ها، اعتصاب‌ها و مصاحبه‌هایش این بحث را دقیق‌تر مدون و مطرح کرده و به مشغله روز نیروی جوان به‌ویژه در جنبش کارگری تبدیل کرده است.

بخشی بارها پیشنهاد کارگران هفت‌تپه برای اداره این شرکت را «اداره شورایی» عنوان کرده و گفته است که اداره این شرکت باید به‌شکلی باشد که نه بخش خصوصی و نه بخش دولتی به‌طور کامل نتوانند کنترل این شرکت را در دست بگیرند. وی در ویدئویی گفته است: «کارگران دیگر اجازه نمی‌دهند بخش خصوصی شرکت را در دست بگیرد و اگر دولت می‌خواهد شرکت را در دست بگیرد تمام امور شرکت باید زیر نظر شوراهای کارگری و نظر جمعی باشد.»

اسماعیل بخشی می‌گوید که آلترناتیو کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه، اداره شورایی این کارخانه است. شعار «نان، کار آزادی، اداره شورایی»، «مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر» از جمله شعارهای معترضان در تظاهرات سال‌های گذشته بوده است که اکنون شعار «زن، زندگی، آزادی» نیز به آن‌ها اضافه شده است و به‌طور کامل مطالبات سیاسی و اجتماعی و عدم تبعیض و عدم استثمار را به نمایش می‌گذارند.

اسماعیل بخشی، جوانی پرشور و جسور و یکی از نمایندگان هزاران کارگر شرکت هفت‌تپه است. اسماعیل بخشی، نماینده کارگران نیشکر هفت‌تپه در سخنرانی آذر ۱۳۹۶، اهمیت اعتصاب را با اخطار به مدیران و دولت چنین بیان کرده بود: چنانچه حتی تمام مطالبات کارگران به آن‌ها داده شود اما یکی از کارگران دستگیر و زندانی شود، «اعتصاب ادامه خواهد یافت»!

بنابراین شناخت از ماهیت قدرت کارگری و استفاده از ابزار مبارزاتی مانند اعتصاب پیگیر و هدفمند یکی از دست‌آوردهای مهم کارگران نیشکر هفت‌تپه بوده است.

شرکتی که کارگران آن در در سال‌های اخیر با اعتراض و اعتصاب خود، توجه و پشتیبانی نه تنها کارگران، بلکه اقشار حق طلب جامعه ایران و جهان را به شعارها و مطالبات خود جلب کرده است. از سوی دیگر، این اعتصاب به‌ویژه با سخنرانی‌های پرشور اسماعیل بخشی و افزودن شعار اداره شورایی و خودگردانی شرکت نیشکر به سایر مطالبات اقتصادی و اجتماعی کارگران نیشکر هفت‌تپه، لرزه به اندام همه نمایندگان حکومت اسلامی حامی سرمایه و استثمار در خوزستان و پایتخت انداخته است. شعاری که چهل سال بود گاهی از دهان برخی فعالین سیاسی و سازمان‌ها و احزاب

اپوزیسیون چپ و کمونیست شنیده می‌شد این‌بار نماینده کارگران آن را در مقابل هزاران کارگر اعتصابی در قلب صنایع ایران مطرح کرده و با تایید و حمایت وسیع کارگران مواجه شده است. بی‌گمان چنین شعار و سیاستی برای سران و مقامات رنگارنگ حکومت اسلامی و کارفرمایان و سرمایه‌داران شرکت هفته‌تپه و سایر صنایع ایران، زنگ خطر بزرگی را به صدا درآورده بود. شعاری که می‌خواهد ریشه نابرابری، تبعیض، ستم و استثمار را براندازد و برابری و آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی واقعی و ماندگار برپا سازد. این موضع اسماعیل بخشی، همه دشمنان آزادی و برابری را از حاکمیت تا درون کارفرمایان و سرمایه‌داران و همه مرتجعین محلی و سراسری به حرکت درآورده است تا این جوان جسور و مدعی را هم به‌عنوان یک فعال کارگری حق‌طلب و هم به‌عنوان نماینده کارگران هفته‌تپه بشکنند بنابراین، هنگامی که شکنجه‌ها و زندان آن‌ها، این استواری و مقاومت بخشی را نتوانست بشکند. کارگران پیمانی و رسمی پالایشگاه‌ها، پتروشیمی‌ها، شهرداری‌ها، گروه ملی فولاد و هفته‌تپه از جمله کارگرانی هستند که اعتراض، تجمع و یا اعتصاب کرده‌اند. به عبارت دیگر، کارگران هفته‌تپه و نماینده آن‌ها اسماعیل بخشی پیش‌تر پایه‌های جمهوری اسلامی را به لرزه درآورده‌اند!

اکنون آن‌ها تنها نیستند یک جنبش قوی انقلابی از کارگران، بیکاران، زنان، دانشجویان، دانش‌آموزان، وکلا، پزشکان، هنرمندان، ورزشکاران و تشکل‌های دموکراتیک نویسندگان، معلمان، بازنشستگان و یک افکار عمومی بسیار قوی در داخل و خارج کشور حامی آن‌ها در جریان است. همین انقلاب است که سرانجام به اتحاد و همبستگی جنبش‌های اجتماعی منجر شده و بساط حکومت اسلامی، این هیولای آدم‌خوار را برخواهند چید!

بی‌تردید اکنون هیچ نیرویی نمی‌تواند صدای خروشان و حق‌طلبانه و انقلابی جوانان و در پیشاپیش همه زنان را خاموش کند. چرا که این جنبش بالنده، ارتقا یابنده، و تحول‌خواه است. انقلابیون جوان زن و مرد که سانسور و سرکوب، زندان و شکنجه، شلاق و وحشت، تبعیض و استثمار سرمایه‌داری و حکومت اسلامی حامی سرمایه را با پوست و گوشت خود لمس و تجربه کرده و خواهان جامعه نوینی هستند؛ جامعه‌ای که در آن همه انسان‌ها فارغ از نژاد، ملیت، جنسیت، باورهای مذهبی و افکار سیاسی متفاوت، در کنار هم در آزادی، برابری، عدالت، رفاه و شادی زندگی کنند!

اکنون برای همگان آشکار شده است که تاریخ مصرف جمهوری اسلامی ایران نه تنها برای جامعه ایران، بلکه برای رقبای منطقه‌ای و جهانی‌اش نیز پایان یافته بنابراین، هیچ نیرویی نمی‌تواند مانع فروپاشی و نابودی کامل آن و برپایی جامعه نوین انسانی در ایران شود!

چهارشنبه چهاردهم دی-جی-۱۴۰۱-چهارم جنوری ۲۰۲۳

*لینک فیلم مستند الماس:

[مستند الماس فریب/نفوذ سردار محمدرضا مدحی در اپوزیسیون \(aparat.com\)](http://aparat.com)